

تعامل اقتصاد، سیاست خارجی و امنیت دولت ذره‌ای قطر، قبل و پس از سال ۲۰۱۱ احمد ساعی^۲ - سید رضی عمادی^۳

(تاریخ دریافت: ۹۳/۴/۲۲، تاریخ پذیرش: ۹۳/۶/۱۱)

چکیده

اعتراض‌های ضدحکومتی سال ۲۰۱۱ در خاورمیانه و شمال آفریقا، دولت و نظام سیاسی برخی کشورهای عربی را تغییر داد، در برخی دیگر پایه‌های قدرت را سست کرد، و در برخی کشورهای منطقه نیز موجب تغییر در راهبرد سیاست خارجی گردید. قطر از معدود کشورهای عربی است که محیط داخلی آن از اعتراض‌های سال ۲۰۱۱ در خاورمیانه و شمال آفریقا تأثیر نپذیرفته، اما سیاست خارجی آن متأثر از اعتراض‌های منطقه‌ای، تغییر نمود. این کشور که به عنوان "دولت ذره‌ای" قلمداد می‌شود، به ویژه از نیمه‌ی دوم دهه‌ی ۱۹۹۰ و از زمان به قدرت رسیدن شیخ حمد بن خلیفه آل ثانی، سعی کرد با بهره‌گیری از منابع غنی هیدروکربنی و متنوع‌سازی اقتصاد، در مسیر رشد و توسعه حرکت کند که در راهبرد مزبور، موفق گردیده است.

دولت قطر با بهره‌گیری از اقتصادی قوی، عملگرایی در سیاست خارجی را در قالب میانجی‌گری در بحران‌های جهان عرب اتخاذ نمود و تلاش کرد از خود تصویر کشوری صلح‌ساز ارائه نماید. این هم‌پوشانی موفق، قبل از سال ۲۰۱۱، در تأمین امنیت دولت قطر در محیط پرتنش خاورمیانه نیز موثر بوده است. وقوع

۱. این مقاله برگرفته از رساله‌ی دوره‌ی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران با عنوان «تغییر الگوی عملگرایی در سیاست خارجی قطر در خاورمیانه‌ی نوین» است.
۲. دانشیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی (واحد علوم و تحقیقات تهران)
۳. نویسنده‌ی مسئول، دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل - دانشگاه آزاد اسلامی - واحد علوم و تحقیقات تهران، ایمیل: remadi1365@yahoo.com

اعتراض‌های ضدحکومتی در جهان عرب در سال ۲۰۱۱، موجب چرخش قطر در عرصه‌ی سیاست خارجی از بازیگر صلح‌ساز، به بازیگر دخیل در ایجاد هرج و مرج منطقه‌ای گردید، که در این راهبرد نیز عنصر اقتصاد، نقش اصلی را ایفا نمود. این چرخش ناگهانی در راهبرد سیاست خارجی، سبب افزایش تهدیدهای امنیتی علیه دولت قطر در دو بعد داخلی و منطقه‌ای شد. هدف این مقاله، بررسی چگونگی تعامل اقتصاد، سیاست خارجی و امنیت قطر پیش و پس از سال ۲۰۱۱ است.^۱

کلید واژه: قطر، اقتصاد، میانجی‌گری، مداخله‌گرایی، بقاء.

مقدمه

قطر در سال ۱۹۷۱ از بریتانیا جدا گردید و به استقلال دست یافت. هم‌اکنون خاندان "آل ثانی" بر این کشور حکومت می‌کنند. هنگامی که انگلستان در دهه‌ی ۱۹۷۰ خلیج فارس را ترک کرد، قطر یکی از فقیرترین کشورها بود. شیخ خلیفه بن حمد، از سال ۱۹۹۱ بهره‌برداری از منابع گازی منطقه‌ی شمالی قطر را که هم‌مرز با منطقه‌ی جنوبی جمهوری اسلامی ایران و منطقه‌ی عسلویه است، آغاز کرد. با این حال، پیشرفت چشمگیر اقتصادی قطر از زمان شیخ حمد بن خلیفه آل ثانی آغاز شد که در سال ۱۹۹۵ با کودتای بدون خون‌ریزی علیه پدرش که به «کودتای سفید» معروف شد، به قدرت رسید. شیخ حمد با تمرکز بر منابع هیدروکربنی قطر، توسعه‌ی اقتصادی این کشور را در قالب متنوع‌سازی اقتصاد، در اولویت قرار داد، به نحوی که در دوران ۱۸ ساله‌ی حکومت وی، این کشور به لحاظ اقتصادی، روندی رو به رشد را طی کرد و شاهد کمترین میزان بیکاری، تورم و فقر و در عین حال بالاترین میزان در آمد سرانه در جهان است.

قطر با مساحت و جمعیت اندک در زمره‌ی دولت‌های ذره‌ای قرار دارد و بقا و امنیت، بزرگ‌ترین معضل این نوع دولت‌ها محسوب می‌شود. یکی از راهکارهای دولت قطر برای رفع تهدیدهای مربوط به بقا و امنیت، ایجاد ارتباط میان اقتصاد پویا و سیاست خارجی این کشور با مقوله‌ی امنیت است.

۱. دولت قطر علاوه بر تمرکز بر بخش اقتصاد و بهره‌برداری از اقتصاد پویا در سیاست خارجی و پیوند برقرار کردن میان اقتصاد، سیاست خارجی و امنیت، از برقراری پیوندهای امنیتی با قدرت‌های بزرگ به ویژه آمریکا نیز برای تامین معضل امنیت خود استفاده می‌کند. این مقاله، ضمن اذعان به نقش مهم این فاکتور در تامین امنیت دولت ذره‌ای قطر، صرفاً به بعد تاثیر اقتصاد در سیاست خارجی و امنیت این کشور می‌پردازد.

این مقاله، از چند بعد، حایز اهمیت است: اول این که نشان می‌دهد دولت ذره‌ای چگونه می‌تواند با بهره‌گیری مناسب از قابلیت‌های خود، معضل امنیت را تا حدود زیادی حل کند و در عین حال بلندپروازی و اتخاذ رویکرد نامناسب سیاست خارجی، تهدیدهای امنیتی علیه خود را افزایش دهد. دوم این که دولت قطر در همسایگی جمهوری اسلامی ایران قرار دارد و شناخت پتانسیل‌ها و تهدیدهای درونی، راهبردهای سیاست خارجی و نقاط ضعف و قوت آن برای کشورمان حایز اهمیت است. بر این اساس، سؤال اصلی در این مقاله این است که اقتصاد پویا چه نقشی در راهبردهای سیاست خارجی و امنیت دولت ذره‌ای قطر قبل و پس از سال ۲۰۱۱ دارد؟ فرضیه‌ی اصلی این مقاله نیز این است که اقتصاد پویا سبب اتخاذ سیاست خارجی میانجی‌گرایانه‌ی قبل از سال ۲۰۱۱ و سیاست خارجی مداخله‌گرایانه‌ی پس از سال ۲۰۱۱ توسط دولت قطر شده، و تغییر در راهبرد سیاست خارجی نیز سبب افزایش تهدیدهای داخلی و منطقه‌ای این کشور گردیده است.

ادبیات تحقیق

از آنجایی که قطر همواره به عنوان یک کشور کوچک قلمداد شده، تاکنون کمتر تحقیق جامعی درباره‌ی اقتصاد، سیاست خارجی و امنیت این کشور به زبان فارسی یا لاتین در قالب کتاب انجام گرفته است. بخش عمده‌ای از تحقیقات انجام شده در مورد این کشور به صورت گزارش یا مقاله منتشر شده که اغلب آن‌ها مربوط به قبل از سال ۲۰۱۱ است.

مقاله‌ی حاضر از آنجایی که در صدد تبیین چگونگی ارتباط میان اقتصاد، سیاست خارجی و امنیت قطر قبل و بعد از سال ۲۰۱۱ است، به نوعی نوآوری در این حوزه محسوب می‌شود، و در عین حال، اطلاعات و آمارهای مختلف اقتصادی که در این مقاله ارائه شده، نیز نوآوری محسوب می‌گردد. برخی از مهم‌ترین کارهایی که تاکنون درباره‌ی قطر منتشر گردیده، به قرار ذیل است:

الف: کتاب‌های فارسی

«قطر»، تألیف احمد فرامرزی (۱۳۸۱)؛ این کتاب از معدود نگاشته‌هایی است که کشور قطر را به طور اختصاصی مورد مطالعه قرار داده و بیش از همه به شناساندن کشور مزبور پرداخته است. مقوله‌ی سیاست خارجی قطر، تنها در ۱۲ صفحه از کتاب مزبور مورد بررسی قرار گرفته و بیش از همه به نقش بریتانیا و روابط قطر با

ایران پرداخته شده است. این کتاب به لحاظ بازه‌ی زمانی، هیچ یک از راهبردهای سیاست خارجی قطر قبل و پس از سال ۲۰۱۱ را مورد بررسی قرار نداده، و به اقتصاد قطر نیز به صورت محدود اشاره کرده و آمارهای آن نیز قدیمی است.

«نقش گاز طبیعی در امنیت ملی روسیه، ایران و قطر»؛ این کتاب توسط آقایان اکبر ترکان، حامد فرنام و خانم زینب ابوطالبی نگارش یافته است. کتاب مزبور به مقوله‌ی سیاست خارجی قطر توجه چندانی ندارد و تنها به مطالعه‌ی تطبیقی نقش گاز در امنیت ملی روسیه، قطر و ایران می‌پردازد. در بخش قطر نیز ضمن اشاره به منابع گازی این کشور به تأثیر درآمدهای گازی در نقش منطقه‌ای کشور مزبور اشاره دارد.

ب: کتاب‌های انگلیسی

«روابط بین‌المللی خلیج فارس»^۱؛ این کتاب در سال ۲۰۰۹ توسط گریگوری گس^۲ نوشته شده، و سیاست بین‌الملل در خلیج فارس را در طی چهار دهه‌ی اخیر و از زمانی که بریتانیا از این منطقه خارج شده، مورد بررسی قرار داده است. در بخشی از این کتاب، مهران کامروا در مقاله‌ای تحت عنوان «سیاست خارجی در دولت‌های شورای همکاری»^۳، به سیاست خارجی قطر نیز اشاره دارد. نکته‌ی مهم این است که در کتاب مزبور، سیاست خارجی قطر به صورت مختصر، و نه جامع، بررسی شده که تعامل اقتصاد، سیاست خارجی و امنیت نیز در آن دیده نمی‌شود.

«انتقال خلیج فارس، سیاست‌ها، اقتصادها و نظم جهانی»^۴؛ این کتاب که مجموعه‌ی مقالات است، توسط دیوید هلد^۴ و کریستین اولریچسن^۵ در سال ۲۰۱۱ جمع‌آوری شده است. استیون رایت^۶ در بخشی از آن به طور اختصار به سیاست خارجی قطر پرداخته است. از آنجایی که کتاب مزبور پیش از تحولات بهار عرب نگاشته شده، سیاست خارجی دو سال اخیر این کشور را مورد بررسی قرار نداده است.

-
1. The International Relations of the Persian Gulf
 2. Gregory Gause
 3. The Transformation of the Persian Gulf: Politics, Economics and the Global Order
 4. David Held
 5. Kristian Ulrichsen
 6. Steven Wright

پ: مقاله‌های انگلیسی

مقاله‌ها و گزارش‌های زیادی به زبان انگلیسی درباره‌ی قطر نوشته شده که اغلب آن‌ها به تمجید از سیاست خارجی این کشور پرداخته و در بعد اقتصادی به سیاست متنوع‌سازی اقتصاد کمتر توجه شده است. دو مورد از مهم‌ترین این مقاله‌ها به قرار ذیل است:

«میانجی‌گری و سیاست خارجی قطر»^۱؛ این مقاله در سال ۲۰۱۱ توسط مهران کامروا^۲ (استاد دانشگاه جورج تون) قطر نوشته شده و در آن، به اهداف و دلیل اتخاذ راهبرد میانجی‌گری در سیاست خارجی قطر در بحران‌های جهان عرب اشاره شده است. در این مقاله بدون اشاره به نقش اقتصاد و موضوعات پیرامون آن، سیاست خارجی قطر را قبل از سال ۲۰۱۱ مورد بررسی قرار داده است. با وقوع اعتراض‌های جهان عرب، سیاست خارجی قطر شاهد تغییر راهبرد از میانجی‌گری به مداخله‌گرایی و در نتیجه تغییر هدف بوده است.

«دولت‌های کوچک با نقش بزرگ؛ قطر و امارات عربی متحده در موج بهار عرب»^۳؛ این مقاله در اکتبر ۲۰۱۲ توسط کریستین اولر یچسن^۴ نوشته شده است. نویسنده‌ی مقاله به نقش قطر و امارات عربی متحده در بهار عرب پرداخته و بر این باور است که این دولت‌های کوچک، نقش مهمی در نظام منطقه‌ای خاورمیانه بر عهده گرفته‌اند. همکاری قطر و امارات عربی متحده در مداخله‌ی نظامی بین‌المللی در لیبی، موجب ایجاد مفهوم جدیدی از قدرت و نفوذ در نظام منطقه‌ای خاورمیانه شده است. نویسنده‌ی مقاله بر این باور است که اهمیت اقتصادی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، موجب توازن مجدد قدرت جهانی می‌شود. وی نقش قطر و امارات عربی متحده را به نقش چین و هند، شبیه می‌داند که موجب توازن مجدد قدرت در سطح جهانی شده است. با این حال، مقاله‌ی مزبور، اقتصاد قطر را به صورت مبسوط مورد بررسی قرار نداده و تنها به درآمدهای گازی این کشور اشاره دارد؛ همچنین به سیاست خارجی قطر قبل از سال ۲۰۱۱، کمتر پرداخته است.

1. Mediation and Qatar Foreign Policy
2. Mehran Kamrava
3. Small States with a Big Role: Qatar and the United Arab Emirates in the Wake of the Arab Spring
4. Kristian Ulrichsen

مبانی نظری

برای بررسی و تحلیل سیاست خارجی کشورها، می‌توان مجموعه‌ای از نظریه‌ها و مفروضات مندرج در آن‌ها را به کار گرفت؛ زیرا متغیرهای مندرج در سیاست خارجی کشورها، واحد نیستند، بلکه از جنبه‌ی کثرت و تعدّد برخوردارند. در تبیین سیاست خارجی دولت ذره‌ای قطر نیز می‌توان بر مبنای اصول و راهبردهای خارجی این کشور، تلفیقی از نظریه‌های پوزیتیویستی و پست پوزیتیویستی را به کار بست. رئالیسم، به عنوان یکی از نظریه‌های پوزیتیویستی می‌تواند با تأکید بر بقاء، امنیت و منفعت، جنبه‌های سخت سیاست خارجی قطر را تبیین کند؛ زیرا این کشور به دلیل ذره‌ای بودن و قرار گرفتن در محیط آنارشیک خاورمیانه، به دنبال تأمین امنیت و بقای خود است.

نظریه‌ی رئالیسم به تنهایی نمی‌تواند تمام جنبه‌های سیاست خارجی قطر را تحلیل کند؛ زیرا این نظریه از بررسی عوامل اقتصادی، نهادهای بین‌المللی و همچنین خصلت میانجی‌گرایانه‌ی سیاست خارجی قطر باز می‌ماند. از آنجایی که عناصر هنجاری از جمله هویت، در سیاست خارجی قطر نقش بارزی ایفا می‌کنند، نئولیبرالیسم نیز برای بررسی این موضوع، از محدودیت برخوردار است، اما «نظریه‌ی سازه‌انگاری» به واسطه‌ی در نظر گرفتن ترکیبی از عناصر مادی و هنجاری، قائل شدن ارتباط میان سیاست داخلی و سیاست خارجی، همچنین به واسطه‌ی مفروضاتی که در درون این نظریه قرار دارند، برای بررسی تغییر الگوی عملگرایی در سیاست خارجی قطر پس از اعتراض‌های سال ۲۰۱۱ جهان عرب، از قابلیت کاربردی زیادی برخوردار بوده و به عنوان مبنای نظری اصلی این مقاله، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

نظریه‌ی سازه‌انگاری، نوعی «راه میانه» است که برخی ویژگی‌های سیاست جهانی را که در «نئولیبرالیسم» و «نئورئالیسم» نقش محوری دارند و با همدیگر «خردگرایی^۲» را تشکیل می‌دهند، در خود جای داده و در عین حال، برخی روش‌های اقدام بازیگران و هویت آن‌ها را که در دیدگاه‌های واکنش‌گرا^۳ مطرح شد، مورد توجه

-
1. Via Media
 2. Rationalism
 3. Reflectivist

قرار می‌دهد (اسمیت، ۱۳۸۳: ۵۴۶)؛ به عبارت دیگر، از منظر رویکرد سازه‌انگاری، نمی‌توان سیاست بین‌الملل را در حدّ یک سلسله تعاملات و رفتارهای عقلایی و در چارچوب‌های صرفاً مادی و نهادی در سطوح ملی و بین‌المللی تقلیل داد؛ زیرا تعاملات دولت‌ها صرفاً بر اساس یک سلسله منافع ملی تثبیت شده، شکل نگرفته، بلکه در طول زمان، به صورت نوعی الگوی رفتاری از طریق هویت‌ها تشکیل می‌یابند و یا باعث تشکل هویت‌ها می‌شوند (قوام، ۱۳۹۲: ۲۴۴).

مفروض‌های اصلی و مهم در نظریه‌ی سازه‌انگاری را می‌توان در قالب موارد زیر بیان کرد:

ترکیب عناصر مادی و هنجاری، قدرت را تشکیل می‌دهند. نئورئالیسم و نئولیبرالیسم، ضمن این که دولت‌ها را به عنوان بازیگر اصلی در روابط بین‌الملل می‌پذیرند، آشکارا نگاه مادی به سیاست جهانی دارند. این رویکردها تلاش دارند توضیح دهند که رفتارهای بین‌المللی، نتیجه‌ی نیروهای مادی به ویژه ابزار نظامی، منابع استراتژیک و پول هستند که عناصر قدرت را تشکیل می‌دهند.

در مقابل رویکرد خردگرا، رویکردهای واکنش‌گرا بر این باورند که انگاره‌ها و هنجارها، عناصر قدرت را تشکیل می‌دهند. سازه‌انگارها که در میانه‌ی راه خردگرایان و واکنش‌گرایان قرار می‌گیرند، بر این باورند که دولت‌ها بازیگران اصلی روابط بین‌الملل هستند، اما قدرت دولت‌ها تنها متشکل از عناصر مادی یا هنجاری نیست، بلکه مجموعه‌ای از عناصر مادی و هنجاری است.

هویت‌ها و منافع، ثابت و مفروض نیستند. یکی دیگر از مهم‌ترین محورها در نظریه‌ی سازه‌انگاری، تاکید بر «برساخته بودن» هویت^۱ و منافع^۲ بازیگران است. برخلاف رویکرد خردگرا که هویت و منافع دولت‌ها را از قبل تعیین شده، مفروض و ثابت می‌پندارد، رویکرد سازه‌انگاری بر این باور است که هویت و منافع بازیگران، از پیش تعیین شده نیست و بر اساس تعاملات میان بازیگران شکل می‌گیرند، و تعاملات بازیگران نیز ثابت نیستند.

1. Identity
2. Interest

الکساندر ونت^۱، در مقاله‌ی خود تحت عنوان «آنارشی چیزی است که دولت‌ها آن را می‌سازند»، ضمن این که عنوان می‌کند هویت دولت‌ها اساس منافع آن‌ها را شکل می‌دهد، به سه هویت «دوست»^۲، «رقیب»^۳ و «دشمن»^۴ برای دولت‌ها اشاره نموده و عنوان می‌کند که دولت‌ها در برخورد با دشمن، متفاوت از برخورد با دوست رفتار می‌کنند؛ زیرا دشمنان، تهدید هستند، اما دوستان، چنین محسوب نمی‌شوند. ونت با ذکر مثال از قدرت نظامی آمریکا، عنوان می‌کند که قدرت نظامی کشور مذکور، برای کانادا و کوبا اهمیت متفاوتی دارد، به‌رغم این که هر دو کشور در یک ساختار نظام بین‌الملل حضور دارند. وی همچنین اشاره می‌کند که موشک‌های بریتانیا، اهمیت متفاوتی از موشک‌های شوروی برای آمریکا دارد (Wendt, 1992: 396-397).

ونت، رویکرد سازه‌انگاری خود را به این ایده پیوند می‌دهد که تعامل اجتماعی آن گونه که خرد گرایان بدان می‌نگرند، صرفاً تعدیل رفتار نسبت به هزینه نیست، بلکه به باز تولید عوامل دخیل، هویت‌ها و علایق آن‌ها نیز مربوط می‌شود؛ بنابراین، الگوهای هویت که از ایده‌های مشترک ناشی می‌شوند، برخی ساختارهای اجتماعی را شکل می‌دهند که در کنار ساختارهای مادی تعریف شده توسط قطبیت، قرار گرفته، بدان‌ها معنا می‌دهند و همانند آن‌ها پیوسته در حال تغییرند (بوزان، ۱۳۸۹: ۲۹-۲۸).

آشوب‌زدگی، چیزی است که دولت‌ها آن را می‌سازند. آنارشی^۵، اصطلاحی است که در روابط بین‌الملل برای توصیف نظام اجتماعی‌ای که فاقد نهادهای مشروع اقتدار هستند، استفاده می‌شود (Hurd, 2008: 304).

در چهارچوب رویکرد سازه‌انگاری، رفتارها ممکن است در شرایط اجتماعی «بین‌الذهانی»^۶ معنا دار باشند. از آن‌جا که بازیگران در صدد توسعه و درک خویش از طریق هنجارها و عملکردها هستند، اعمال قدرت ارائه‌ی رفتارها در غیاب هنجارها، فاقد معنا است. در چنین وضعیتی، هنجارهای تأسیسی، یک هویت را از طریق مشخص ساختن رفتارهایی که سبب می‌شوند دیگران را بر آن وادارند تا آن

1. Alexander Wendt
2. Friend
3. Rivalry
4. Enemy
5. Anarchy
6. Intersubjective

هویت را به رسمیت بشناسند، و به طور مناسب نسبت به آن واکنش نشان دهند، تعریف می‌کنند. بر پایه‌ی این تحلیل، نظر به این که ساختار بدون وجود یک مجموعه‌ی بین‌الذلهانی هنجارها و اعمال بی‌معناست، مفهومی به نام «آشوب‌زدگی» نیز بی‌معنا و غیرواقعی است. طبق دیدگاه سازه‌انگاری، اگر کشورها خود را در وضعیت «خودیاری»^۱ می‌بینند، بدین دلیل است که اقدامات آن‌ها چنین وضعیتی را به وجود آورده است. درحالی که از منظر واقع‌گرایی، آشوب‌زدگی بین‌المللی، حالت تعارض آمیز داشته و از دیدگاه آرمان‌گرایی، جنبه‌ی همکاری جویانه به خود می‌گیرد. سازه‌انگاری، آن را نه تعارض آمیز و نه همکاری جویانه، بلکه ناشی از چیزی می‌داند که دولت‌ها خود می‌سازند. تحت این شرایط، چنانچه دولت‌ها نسبت به یکدیگر برخورد تعارض آمیز داشته باشند، آنگاه ماهیت آشوب‌زدگی بین‌المللی، حالت تعارض آمیز به خود می‌گیرد، و برعکس، اگر روابط آنان در راستای همکاری باشد، ماهیت آشوب‌زدگی بین‌المللی وضعیت همکاری جویانه می‌یابد (قوام، همان: ۲۲۶-۲۲۵).

ساختار و کارگزار، تأثیر متقابل بر هم دارند. ارتباط ساختار^۲ - کارگزار^۳ یکی از مهم‌ترین محورها در نظریه‌های روابط بین‌الملل است. در رویکرد سازه‌انگاری، اعمال دولت‌ها به عنوان کارگزار در ساخت نهادها و ارزش‌های زندگی بین‌المللی (ساختار) تأثیر دارد، و متقابلاً ساختار و ارزش‌های آن هم بر رفتار کارگزاران یا همان دولت‌ها مؤثر است. ارزش‌ها و اصول بین‌الملل، رفتار دولت‌ها را ایجاد می‌کنند و بر اعمال دولت‌ها نفوذ دارند؛ این ایده که ساختار و کارگزار در روابط بین‌الملل متقابلاً بر همدیگر تأثیر می‌گذارند، در بطن رویکرد سازه‌انگاری قرار دارد (Hurd, Ibid: 304).

بررسی وضعیت اقتصادی قطر

قطر، طی یک دهه، از کشوری فقیر به قله‌ی اقتصاد جهانی رسید و صاحب بالاترین درآمد سرانه در جهان، در نیمه‌ی دوم دهه‌ی اول قرن ۲۱ شد. شاخص‌های اقتصاد قطر از سال ۲۰۰۵ به بعد و در عصر جهانی شدن، با رشدی چشمگیر به بالاترین سطح جهانی رسید، به نحوی که امروزه، دولت مزبور ضمن این که با

1. Self Defense
2. Structure
3. Agent

مشکلاتی نظیر بیکاری، تورم و فقر مواجه نیست، در بازار انرژی جهانی، بازیگر برجسته‌ای است و در بخش‌هایی نظیر اقتصاد گردشگری، آموزش و ورزش نیز خود را به رتبه‌های بالا در سطح جهان رسانده است. رشد اقتصاد قطر در بخش‌های مختلف، در درجه‌ی اول، معلول منابع هیدروکربنی این کشور، و در درجه‌ی دوم، معلول اتخاذ سیاست متنوع‌سازی اقتصاد است.

الف: منابع هیدروکربنی قطر

نفت و گاز، دو منبع اصلی اقتصاد قطر محسوب می‌شوند. قطر برخلاف اغلب کشورهای عربی، بیش از آن‌که به درآمدهای نفتی وابسته باشد، به درآمدهای گازی خود وابسته است. جدول زیر، شامل اطلاعاتی درباره‌ی وضعیت بخش گاز قطر در سال ۲۰۱۲ است:

جدول شماره‌ی ۱: آمارهای گاز طبیعی قطر در سال ۲۰۱۲: (EIA, January 30, 2014: 6-8)

رتبه صادرات در جهان	رتبه صادرات در منطقه	ذخایر اثبات شده	صادرات	مصرف	تولید	
دوم	اول	۸۸۵ تریلیون فوت مکعب	۴/۳ تریلیون فوت مکعب در سال	۱/۲ میلیارد فوت مکعب در سال	۵/۵ تریلیون فوت مکعب در سال	گاز طبیعی

مطابق آمار ارائه شده توسط اوپک گازی، ذخایر اثبات شده‌ی گاز طبیعی قطر بیش از ۲۵ تریلیون مترمکعب است که سومین ذخایر اثبات شده و معادل ۱۴ درصد گاز طبیعی اثبات شده‌ی جهان است (Gas Exporting Countries Forum, 2013).

قطر در سال ۲۰۱۲، حدود ۵/۵ تریلیون فوت مکعب گاز تولید کرد که از این حیث، چهارمین تولیدکننده‌ی بزرگ گاز در جهان بود؛ همچنین با صدور ۴/۳ تریلیون فوت مکعب، بعد از روسیه^۱، دومین صادرکننده‌ی گاز طبیعی جهان در سال ۲۰۱۲ محسوب می‌شد (EIA, Ibid: 7). در فرآیند رشد بخش‌های نفت و گاز قطر، شرکت‌های بزرگ جهانی، نقش مهمی ایفا کردند. حدود ۸۰ درصد

۱. روسیه در سال ۲۰۱۲، ۷/۴ تریلیون فوت مکعب گاز طبیعی صادر کرد.

صادرات گاز طبیعی قطر را گاز طبیعی مایع (LNG)^۱ تشکیل می‌دهد. تولید LNG قطر بین دو کمپانی RasGas^۲ و QatarGas^۳ تقسیم می‌شود. ۷۰ درصد مالکیت کمپانی RasGas در اختیار شرکت نفتی دولتی «قطر پترولیوم»^۴ و ۳۰ درصد دیگر نیز در اختیار «اکسون موبیل»^۵ آمریکا است، در حالی که کمپانی گاز قطر، تحت مالکیت کنسرسیومی متشکل از قطر پترولیوم، توتال^۶ فرانسه، اکسون موبیل آمریکا، میتسویی^۷ و ماروبنی^۸ ژاپن، کونکوفیلیپس^۹ و رویال داچ شل^{۱۰} قرار دارد.

محمد بن صالح الصدا^{۱۱}، وزیر انرژی و صنعت قطر، آوریل ۲۰۱۴ اعلام کرد که کشور متبوعش در سال ۲۰۱۳، حدود ۷۷ میلیون تن گاز طبیعی مایع، معادل یک چهارم گاز طبیعی مایع جهان، به بیش از ۲۵ کشور صادر کرده است (Persian Gulf News, 2 April) 2014). علاوه بر گاز طبیعی مایع، قطر در زمینه‌ی تولید و صادرات گاز طبیعی خشک^{۱۲} نیز در زمره‌ی برترین کشورهای جهان قرار دارد، که این اتفاق، طی دهه‌ی اول قرن ۲۱ رخ داد. قطر در سال ۲۰۰۲، تنها ۱.۱ تریلیون فوت مکعب گاز طبیعی خشک تولید می‌کرد، اما این میزان در سال ۲۰۱۲ به ۵.۵ تریلیون فوت مکعب افزایش یافت. قطر هم‌اکنون پس از ایران، دومین تولیدکننده‌ی بزرگ گاز طبیعی خشک در خاورمیانه و پس از آمریکا، روسیه و ایران، چهارمین تولیدکننده‌ی بزرگ گاز طبیعی خشک در جهان است (EIA, Ibid: 6).

1. Liquid Natural Gas

۲. این کمپانی در سال ۱۹۹۳ تشکیل و تولید گاز آن نیز از سال ۱۹۹۹ آغاز شد.
۳. این کمپانی در سال ۱۹۹۴ تشکیل شد و از سال ۱۹۹۷ تولید گاز در قطر را آغاز کرد و هم‌اکنون پنج محصول تولیدی مهم در قطر را بر عهده دارد.

4. Qatar Petroleum
5. Exxon Mobile
6. Total
7. Mitsui
8. Marubeni
9. Conoco Philips
10. Royal Dutch Shell
11. Mohamed bin Saleh al Sada
12. Dry Natural Gas

دولت قطر در زمینه‌ی تولید GTL نیز در زمره‌ی معدود کشورهای است که از این تکنولوژی برخوردارند. در سال ۲۰۰۳، ساخت نیروگاه GTL را با ارزش ۲۳ میلیارد دلار، و در سال ۲۰۱۱، بهره‌برداری از آن را آغاز کرد، و هم اکنون با در اختیار داشتن دو واحد GTL «اریکس»^۲ و «مروارید»^۳، یکی از سه کشور بزرگ در تولید GTL است^۴ (Ibrahim and Harrigan, 2012: 2).

نفت، پس از گاز، دومین منبع درآمدی دولت محسوب می‌شود. قطر از سال ۱۹۶۱، عضو سازمان کشورهای صادرکننده‌ی نفت (اوپک) گردید. جدول زیر، شامل اطلاعاتی درباره‌ی وضعیت بخش نفت قطر در سال ۲۰۱۲ است.

جدول شماره‌ی ۲: آمارهای نفتی قطر در سال ۲۰۱۲:

(Opec Annual Statistical Bulletin, 2013: 11 and 22)

رتبه صادرات در جهان	ذخایر اثبات شده	صادرات	مصرف	تولید	
شانزدهم	۲۵/۲۴۴ میلیارد بشکه	۵۸۸ هزار بشکه در روز	۱۴۶ هزار بشکه در روز	۷۳۴ هزار بشکه در روز	نفت - ۲۰۱۲

ذخایر اثبات شده‌ی نفت خام قطر ۲۵ میلیارد و ۲۴۰ هزار بشکه برآورد شده که نهمین ذخیره‌ی نفتی در اوپک، و سیزدهمین ذخیره‌ی نفتی در جهان است.

قطر، پایین‌ترین تولیدکننده‌ی نفت خام است. در سال ۲۰۱۲، این کشور به طور میانگین، روزانه ۷۳۴ هزار بشکه نفت خام تولید کرد که از این میزان، روزانه ۵۸۸ هزار بشکه صادر شده است. بر خلاف بخش گاز - که کشور مذکور در زمره‌ی بزرگ‌ترین کشورهای صادرکننده در جهان محسوب می‌شود - در بخش نفت خام، در همان سال، شانزدهمین صادرکننده در جهان بود. قطر انتظار دارد

1. Gas to Liquid
2. Oryx GTL Plant
3. Pearl GTL Plant

۴. GTL تکنولوژی است که بر اساس آن گاز طبیعی خشک به سوخت مایع تبدیل خواهد شد. قطر به همراه آفریقای جنوبی و مالزی، سه کشوری هستند که از تسهیلات GTL برخوردارند. ۵. تنها کشور اکوادور در اوپک کمتر از قطر نفت تولید می‌کند. در سال ۲۰۱۲ تولید نفت خام اکوادور ۵۰۴ هزار بشکه در روز بوده است.

تولید نفت خام این کشور به ۸۰۰ هزار بشکه در روز تا سال ۲۰۱۷ برسد. اداره‌ی اطلاعات انرژی آمریکا، برآورد کرد که قطر در سال ۲۰۱۲، ۵۵ میلیارد دلار از صادرات نفت به دست آورد (EIA, Ibid: 4).

به طور کلی درباره‌ی جایگاه نفت و گاز در اقتصاد قطر باید گفت، بر اساس آمار سایت اوپک، بخش نفت و گاز، حدود ۶۰ درصد تولید ناخالص داخلی، و حدود ۸۵ درصد درآمدهای صادراتی قطر را تشکیل می‌دهد (OPEC, 2013).

ب: سیاست متنوع‌سازی اقتصاد، فاصله از اقتصاد تک محصولی مبتنی بر انرژی

یکی از مهم‌ترین راهبردهای اقتصادی دولت قطر از سال ۱۹۹۵ به بعد، راهبرد «متنوع‌سازی»^۶ اقتصاد و هزینه کردن درآمدهای هنگفت انرژی در بخش‌های غیرانرژی برای فاصله گرفتن از اقتصاد تک محصولی بوده است. سیاست متنوع‌سازی اقتصاد در بخش‌های صنعت، ساخت‌وساز، گردشگری، و خرید سهام شرکت‌های بزرگ و معروف بین‌المللی اجرایی شد.

بخش صنعت

ارزش بخش صنعت در اقتصاد قطر در سال ۱۹۷۰ برابر با ۰/۰۱۷ میلیارد دلار بود، اما این رقم در سال ۲۰۱۲ به ۱۸/۹ میلیارد دلار افزایش یافت. از سال ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۲، ارزش بخش صنعت در اقتصاد قطر هزار و یکصد و یازده برابر شده است (http://kushnirs.org/macroeconomics/manufacturing/manufacturing_qatar.html).

اغلب صنایع سنگین قطر در منطقه‌ی «ام‌السعید»^۷ به عنوان اولین شهر صنعتی قطر قرار گرفتند. پالایشگاه قطر^۸ با ظرفیت ۵۰ هزار بشکه در روز، کارخانه‌ی کود شیمیایی اوره و آمونیوم، کارخانه‌ی فولاد و یک کارخانه‌ی پتروشیمی، از جمله صنایعی محسوب می‌شوند که در منطقه‌ی «ام‌السعید» قرار دارند. اغلب این کارخانه‌ها از طریق سرمایه‌گذاری مشترک میان شرکت‌های ژاپنی و اروپایی با شرکت ملی نفت قطر، تأسیس شدند.

6. Diversification

7. Umm Al Saeed

8. Qatar Refinery

قطر، طرحی برای تقویت تولید پتروشیمی خود آغاز کرد که تا سال ۲۰۲۰، میزان تولید آن را از ۱۰ میلیون تن در سال به ۲۳ میلیون تن افزایش خواهد داد. بخش صنعت تقریباً ۱۰ درصد تولید ناخالص داخلی قطر را تشکیل می‌دهد (Bank Audi Sal, 27 Jun 2013: 5).

بخش ساخت و ساز

در سال ۱۹۷۰، ارزش ساخت و ساز در قطر ۰/۴۷ میلیارد دلار بود که تا سال ۲۰۱۲ با رشد ۱۸۰ برابری، به ۸/۵ میلیارد دلار افزایش یافت (http://kushnirs.org/macro-economics/construction/construction_qatar.html) که تقریباً ۴ درصد تولید ناخالص داخلی قطر را تشکیل می‌دهد.

از زمانی که قطر به عنوان میزبان جام جهانی ۲۰۲۲ انتخاب شد، این بخش تقویت شده است. برای توسعه‌ی زیرساخت‌های ضروری میزبانی جام جهانی ۲۰۲۲، قطر مبلغ ۱۴۰ میلیارد دلار هزینه خواهد کرد. بخشی از هزینه‌ی مزبور، شامل ۲۰ میلیارد دلار برای جاده‌ها، ۲۵ میلیارد دلار برای بزرگراه‌ها، ۱۵/۵ میلیارد دلار برای فرودگاه بین‌المللی دوحه‌ی جدید، ۴ میلیارد دلار برای استادیوم‌ها، ۸ میلیارد دلار برای بنادر ساحلی عمیق و یک میلیارد دلار نیز برای کریدور حمل و نقل دوحه است. در طرح توسعه‌ی ملی قطر نیز ۱۴/۶ میلیارد دلار برای ساخت جاده‌ها و تسهیلات مرتبط در نظر گرفته شد. مطابق آمار، قطر بعد از امارات عربی متحده و عربستان، سومین بازار فعال ساخت و ساز در میان اعضای شورای همکاری خلیج فارس را در سال ۲۰۱۲ در اختیار داشت (Bank Audi Sal, Ibid: 6-7).

بخش گردشگری

مطابق آمار «شورای مسافرت و گردشگری جهانی»، صنعت گردشگری، به طور مستقیم، ۳/۴ میلیارد دلار معادل ۱/۸ درصد به تولید ناخالص داخلی قطر کمک می‌کند. از آنجایی که گسترش صنعت گردشگری نیازمند سرمایه‌گذاری در بخش‌های زیرساختی است، این موضوع می‌تواند به هدف تنوع اقتصادی در قطر کمک نماید. از این رو، گفته می‌شود که صنعت گردشگری علاوه بر کمک مستقیم، کمک غیرمستقیم و تحریکی (شامل تأثیرگذاری در تقویت بخش‌های

دیگر) نیز انجام می‌دهد. با احتساب این موضوع، صنعت گردشگری، معادل ۶/۷ درصد تولید ناخالص داخلی قطر را تشکیل می‌دهد. شورای مسافرت و گردشگری جهانی اعلام کرد، در سال ۲۰۱۲، بخش گردشگری قطر، ۷/۱ درصد رشد داشته است (Oxford University Group, 25 June 2013: 1). دولت قطر اعلام کرد که از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۲، حدود ۲۰ تا ۲۵ میلیارد دلار در توسعه زیرساخت‌های گردشگری سرمایه‌گذاری خواهد کرد (Reuters, 22 August 2011: 1). سرمایه‌گذاری دولت قطر در بخش‌های هواپیمایی، هتلداری، ورزشی و آموزشی نیز سبب ارتقای جایگاه اقتصاد گردشگری در این کشور شده است.

دولت قطر برای گسترش بخش گردشگری، در صنعت هواپیمایی خود، سرمایه‌گذاری عظیمی انجام داد. شرکت هواپیمایی قطر^۱ که در سال ۱۹۹۴ تأسیس شد، اکنون یکی از معروف‌ترین برندهای هواپیمایی محسوب می‌شود. این کشور با سرمایه‌گذاری زیاد در بخش ورزشی، توانست میزبانی مسابقات مهم آسیایی و جهانی را به دست آورد، و همین موضوع، تأثیر زیادی در رشد بخش گردشگری این کشور داشته است. موفقیت بزرگ قطر در عرصه ورزشی که تأثیر زیادی بر توسعه زیرساخت‌های اجتماعی و افزایش درآمدهای توریستی آن خواهد داشت، کسب میزبانی جام جهانی فوتبال ۲۰۲۲ است.

در استراتژی ۵ ساله‌ی دولت قطر (۲۰۱۶-۲۰۱۱)، از میزبانی جام جهانی فوتبال در سال ۲۰۲۲، به عنوان «فرصت جدید» یاد شده که تأثیرات اقتصادی معقولی برای این کشور خواهد داشت. مهم‌ترین پیامد این میزبانی، ایجاد زیرساخت‌های مداوم و باثبات به ویژه در بخش‌های غیر انرژی به ویژه گردشگری خواهد بود که از جمله آن‌ها گسترش صنعت هتلداری و هواپیمایی است. قطر که هم‌اکنون ۱۰ هزار اتاق هتل دارد، مصمم است تا جام جهانی ۲۰۲۲، در بخش هتلداری، ۴۰ هزار اتاق جدید افتتاح کند (Reuters, Ibid: 2). در چهار ماه اول سال ۲۰۱۳، حدود ۷۴ درصد اتاق‌های هتل‌های دوحه، توسط گردشگران پر شدند (Bank Audi Sal, Ibid: 7). یکی از مهم‌ترین پروژه‌های قطر در بخش گردشگری، ساخت شهری جدید به نام «لوسیل»^۲ است که در حدود ۱۵ کیلومتری شمال مرکز شهر دوحه قرار دارد، و ظرفیت پذیرش ۲۵۰ هزار نفر جمعیت

1. Qatar Airway
2. New opportunity
3. Lusail

را برخوردار است. استادیوم ۸۶۲۵۰ نفری نیز در این شهر ساخته خواهد شد، که میزبان مسابقات افتتاحیه و فینال جام جهانی ۲۰۲۲ خواهد بود (Rivlin, April 2013: 4-5).

دولت قطر با سرمایه‌گذاری هنگفت در بخش آموزشی، هزاران دانشجو را از دیگر کشورهای جهان جذب کرد، که این عامل نیز در رشد بخش گردشگری کشور مزبور، نقش زیادی داشته است. ابتدا در سال ۱۹۹۴ «بنیاد قطر»^۱ برای گسترش فرصت‌های آموزش و تحقیقات علمی و ارتقای توسعه‌ی اجتماعی ایجاد شد و در سال ۱۹۹۸ نیز «شهر آموزش»^۲ بنا گردید که به عنوان یک «شهر ویژه»، نگریسته می‌شود. موزه‌ی بنت ناصر آل مسند^۳ (سومین همسر شیخ حمد بن خلیفه آل ثانی و مؤسس بنیاد قطر)، هدف اصلی شهر آموزش را ایجاد ارتباط میان تحقیق، دانشگاه و صنعت اعلام کرده، و آن را از هر پروژه‌ی صنعتی و اقتصادی، مهم‌تر دانسته؛ زیرا اقتصاد دانش‌بنیان را در دستور کار خود دارد (Khodr, 2011: 517). ماده‌ی ۲۵ قانون اساسی این کشور درباره‌ی اهمیت آموزش در کشور مزبور است.^۴

قطر برای موفقیت در بخش آموزش خود، اصلاحات نهادی مهمی را انجام داد که از جمله می‌توان به استقلال دانشگاه قطر از حکومت مرکزی، و ایجاد صندوق تحقیق ملی و تشکیل شورای آموزش در سال ۲۰۰۳ برای انجام اصلاحات در بخش آموزش، اشاره کرد. شعبه‌های دانشگاه‌ها و مراکز علمی مهم بین‌المللی هم در قطر تأسیس شد که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به دانشگاه جورج تون^۵، دانشگاه مشترک المنافع ویرجینیا^۶، دانشگاه کارنگی ملون^۷، کالج پزشکی ویل کرنل^۸، مرکز رند^۹ و موسسه‌ی بروکینگز^{۱۰} اشاره کرد (Antwi-Boateng, 2013: 42). در سال ۲۰۰۴، ۱۳۱ هزار دانشجو در قطر به

1. Qatar Foundation
2. Education City
3. Mozah bint Nasser Al Missned

۴. ماده‌ی ۲۵ قانون اساسی: «آموزش از ستون‌های اساسی پیشرفت اجتماعی است. دولت باید برای گسترش آموزش تلاش کند و آن را تضمین و پرورش دهد.»

5. Georgetown University
6. Virginia Commonwealth University
7. Carnegie Mellon University
8. Weill Cornell Medical College
9. RAND Corporation
10. Brookings Institute

تحصیل اشتغال داشتند که ۴۰ درصد آن‌ها قطری، و ۶۰ درصد نیز از اتباع دیگر کشورها بودند. سیاست‌های آموزشی دولت قطر، سبب افزایش شمار دانشجویان در دانشگاه‌های این کشور شد. قطر در سال ۲۰۱۱، ۲۰۰ هزار دانشجو داشت که تنها ۴۷ درصد آن‌ها قطری بودند. بین سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۱، شمار دانشجویان، سالیانه ۸/۱ درصد رشد داشته است (Qatar Population Status 2012, Ibid: 36-38). دولت قطر در سال ۲۰۱۲، متعهد شد ۲/۸ درصد تولید ناخالص داخلی خود، معادل ۱/۵ میلیارد دلار را صرف تحقیق و توسعه کند (Hamilton, 24 May 2012).

خرید سهام موسسه‌های بزرگ بین‌المللی

یکی از اقدام‌های دولت قطر که در راستای سیاست متنوع‌سازی اقتصادی این کشور انجام گرفت، خرید سهام مؤسسه‌های بزرگ و بین‌المللی، شامل بانک‌ها، خودروسازی‌ها، باشگاه‌های ورزشی و... است. دولت قطر تاکنون سهام بانک بارکلیز^۱ انگلستان، بازار بورس لندن، صنایع خودروسازی ولکس واگن و پورشه^۲، فروشگاه هارودس^۳، هتل رافلز^۴ سن‌گاپور و سهام تیم فوتبال پاریس سن‌ژرمن فرانسه^۵ را خریداری کرده است (Peterson, February 2013: 2).

به طور کلی باید گفت، با اتخاذ سیاست متنوع‌سازی اقتصاد و سرمایه‌گذاری‌هایی که دولت قطر در بخش‌های زیرساختی و بخش تولید انجام داده، اقتصاد غیرنفتی و گازی قطر از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۱، حدود ۲۰ درصد رشد داشته است.

پیامدهای داخلی سیاست‌های اقتصادی قطر

سیاست‌های اقتصادی دو دهه‌ی اخیر دولت قطر (۲۰۱۴-۱۹۹۵) در سال‌های پایانی دهه‌ی اول و سال‌های اول دهه‌ی دوم قرن ۲۱، تأثیر خود را در رشد شاخص‌های اقتصادی این کشور نشان داد. مهم‌ترین پیامدهای داخلی سیاست‌های اقتصادی قطر را می‌توان در محورهای زیر بیان کرد:

1. Barclays Bank
2. Volkswagen and Porsche
3. Harrods Store
4. Raffles Hotel
5. French Football Team Paris Saint Germaine

الف: افزایش میزان تولید ناخالص داخلی

تولید ناخالص داخلی قطر از زمان استقلال این کشور تا سال ۲۰۱۲، بیش از ۳۵۶ برابر شد، و از ۰/۵۴ میلیارد دلار در ۱۹۷۰ به ۱۸۹/۹ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۲ افزایش یافت. به طور میانگین در طی این ۴۳ سال، تولید ناخالص داخلی قطر، سالیانه ۴/۶ میلیارد دلار افزایش یافت. بیشترین افزایش در تولید ناخالص داخلی قطر، از سال ۲۰۰۰ به بعد رخ داد.

بین سالهای ۲۰۰۹-۲۰۰۰، تولید ناخالص داخلی قطر به طور میانگین سالیانه ۱۳/۱ درصد رشد داشته، و طی سالهای ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۲ سریعترین رشد اقتصادی جهان را با میانگین سالیانه ۱۲ درصد، از آن خود نموده است. در سال ۲۰۱۲، تولید ناخالص داخلی قطر با ۶/۲ درصد رشد، به حدود ۱۸۹/۹ میلیارد دلار، و در سال ۲۰۱۳ با ۶/۵ درصد رشد به ۲۰۲/۵ میلیارد دلار افزایش یافت (Qatar Eco- nomic Outlook 2014-2015, June 2014: 15).

جدول شماره ۳: میزان تولید ناخالص داخلی قطر به میلیارد دلار:

(http://kushnirs.org/macroeconomics/gdp/gdp_qatar.html and Qatar Economic Outlook 2014-2015, June 2014: 15)

سال	۱۹۷۰	۱۹۸۰	۱۹۹۰	۲۰۰۰	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۴	۲۰۱۲	۲۰۱۵
GDP	۵۴۰۰	۷/۸	۷/۴	۱۷/۸	۱۱۵/۳	۹۷/۸	۱۲۵/۱	۱۶۹/۸	۱۸۹/۹	۲۰۲/۵

ب: رشد درآمد سرانه

درآمد سرانه‌ی قطر طی ۴۳ سال گذشته، اغلب اوقات، سیر صعودی داشته، به نحوی که از ۲/۷۸۴ دلار در سال ۱۹۷۰، به بیش از ۱۰۲ هزار دلار در سال ۲۰۱۲ افزایش یافت، که بالاترین درآمد سرانه در جهان محسوب می‌شود (<http://www.indexmundi.com/facts/qatar/gdp-per-capita>). موضوع مهم این است که درآمد سرانه‌ی ۱۰۲ هزار دلاری در قطر، با احتساب جمعیت بومی و غیربومی در این کشور است، اما طبق آمار، درآمد سرانه یک شهروند بومی قطر، بالغ بر ۴۰۰ هزار دلار در سال است (Hounshell, 23 April 2012: 2).

جدول شماره ۴: میزان رشد در آمد سرانه در قطر بر حسب هزار دلار:

(<http://www.indexmundi.com/facts/qatar/gdp-per-capita>)

سال	۱۹۷۰	۱۹۸۰	۱۹۹۰	۲۰۰۰	۲۰۰۵	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲
درآمد سرانه	۲/۷۸۴	۳۵/۳۳۱	۱۵/۵۳۷	۳۰/۰۵۳	۵۲/۴۲۵	۸۲/۳۸۹	۶۲/۵۲۸	۷۲/۷۷۳	۹۰/۸۰۵	۱۰۲/۲

پ: تورم، فقر و بیکاری پایین

نرخ تورم، و فقر و بیکاری در قطر در مقایسه با دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، به شدت کاهش یافته، و حتی در سال‌های پایانی دهه‌ی اول قرن ۲۱ نیز منفی بوده است. طبق آمار بانک جهانی، نرخ تورم در قطر از سال ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۲ به طور میانگین سالانه ۳/۸ درصد برآورد شده، و کمترین میزان تورم در سال ۲۰۰۹ با ۴/۸۶- و بیشترین میزان در سال ۲۰۰۸ با ۱۵/۰۵ درصد بوده است (The Global Economy, 2014: 1). تورم در سال ۲۰۱۰ به بعد نیز زیر ۲ درصد و طی سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ به طور میانگین ۱/۹ درصد بوده است.

فقر و بیکاری که از مهم‌ترین علل بروز اعتراض‌های ضد حکومتی در جهان عرب از سال ۲۰۱۱ به بعد بوده، در قطر، در سطح پایینی قرار دارد. جمعیت زیر خط فقر قطر، صفر درصد و میزان بیکاری در این کشور نیز زیر یک درصد است. جدول زیر میزان تورم و بیکاری در قطر را نشان می‌دهد:

جدول شماره ۵: نرخ تورم و بیکاری در قطر (BTI, 2014: 12 and Qatar Eco- (nomic Outlook 2014-2015, June 2014: 1

سال	۱۹۸۰	۱۹۹۰	۲۰۰۰	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳
تورم	۶/۸	۳/۰۱	۱/۶	۱۵	-۴/۹	-۲/۴	۱/۹	۲	۳/۱۷
بیکاری	-	-	-	۲/۴	۲/۳	۳	۳/۹	۳/۰۱	۰/۳۰

ث: ارزش صادرات و واردات، ذخایر مالی، و مازاد بودجه

ارزش صادرات قطر در سال ۱۹۷۰، حدود ۰/۳۵ میلیارد دلار و رتبه‌ی آن در جهان ۷۸ بود؛ در سال ۲۰۱۲، این آمار به ۱۲۶/۸ میلیارد دلار افزایش یافت و

رتبه‌ی آن نیز به ۳۵ در جهان رسید که بیش از ۳۶۲ برابر در مقایسه با سال ۱۹۷۰ رشد داشته است (http://kushnirs.org/macroeconomics/export/export_qatar.html).

از سال ۲۰۰۴ تا سال ۲۰۱۳، ارزش صادرات قطر، رشد قابل توجهی داشته و از ۲۰/۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۴، به ۱۳۳ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۳ افزایش یافت (Qatar Economy 2014, February 2014: 5). به موازات رشد اقتصاد و برنامه‌ی متنوع‌سازی اقتصاد کشور مزبور، ارزش واردات این کشور نیز طی ۴۳ سال گذشته، رشد زیادی داشته است. در سال ۱۹۷۰، ارزش واردات قطر ۱۶/۰ میلیارد دلار و رتبه‌ی آن در جهان ۱۰۹ بود. این رقم تا سال ۲۰۱۲ به ۴۶/۴ میلیارد دلار افزایش یافت، و در رتبه ۶۲ جهانی قرار گرفت؛ به عبارت دیگر، ارزش واردات قطر در سال ۲۰۱۲ در مقایسه با سال ۱۹۷۰، ۲۹۰ برابر شد (http://kushnirs.org/macroeconomics/import/import_qatar.html).

در نتیجه‌ی رشد اقتصاد قطر بین سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۲، ذخایر بانک مرکزی این کشور از ۱۰ میلیارد دلار به ۴۶ میلیارد دلار افزایش یافت. «صندوق سرمایه‌گذاری قطر»^۱ که در سال ۲۰۰۵ تأسیس شد، نیز یکی از فعال‌ترین صندوق‌ها در جهان محسوب می‌شود و بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار دارایی دارد (Coates Ulrichsen, October 2012: 3-5).

دولت قطر از سال مالی ۲۰۰۰-۱۹۹۹ تاکنون، هر ساله دارای مازاد بودجه‌ی مالی بوده است. در سال ۲۰۱۲، درآمدهای قطر ۲۴/۷ درصد رشد داشته و به ۷۶/۳ میلیارد دلار رسید، اما هزینه‌های این کشور با تنها ۲ درصد رشد به ۴۸/۹ میلیارد دلار افزایش یافت. از این رو، دولت قطر در سال ۲۰۱۲، معادل ۲۷/۴ میلیارد دلار مازاد مالی داشته که معادل ۱۴/۲ تولید ناخالص داخلی این کشور بود (Trade Arabia, 2 October 2013: 1-3).

تأثیر اقتصاد بر راهبردهای سیاست خارجی منطقه‌ای و امنیت قطر

قطر به لحاظ جغرافیایی، در منطقه‌ی تنش‌زای خاورمیانه قرار دارد؛ علاوه بر این، کشور مزبور با تهدیدهای دیگری نیز مواجه است که ضریب آسیب‌پذیری آن را در منطقه‌ی خاورمیانه، افزایش می‌دهد. قرار گرفتن در همسایگی دو قدرت منطقه‌ای یعنی عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران، یکی از تهدیدهای مورد

توجه قطر است که سبب گردیده برخی از کارشناسان معتقد شوند که قطر میان عربستان و ایران، به نوعی «ساندویچ» شده است (Smolczyk and Zand, 2012: 2).

داشتن وسعت جغرافیایی و جمعیت اندک، همچنین وجود تنها ۱۱ هزار نیروی نظامی، از دیگر تهدیدهایی محسوب می‌شوند که قطر در منطقه‌ی خاورمیانه با آن‌ها مواجه است. با توجه به این تهدیدها، دولت قطر به ویژه در قرن ۲۱، تلاش نموده با استفاده از اقتصادی قوی که در اختیار دارد، همچنین پیوندهای امنیتی که با قدرت‌های بزرگ به ویژه آمریکا ایجاد کرده، با اتخاذ سیاست خارجی عملگرا، نفوذ سیاسی خود را در سطح منطقه‌ی افزایش دهد، تا بدین گونه از تهدیدهای احتمالی محفوظ بماند.

الف: تأثیر اقتصاد بر سیاست خارجی و امنیت قطر پیش از ۲۰۱۱؛ صلح‌سازی منطقه‌ای و دور شدن از تهدیدهای منطقه‌ای

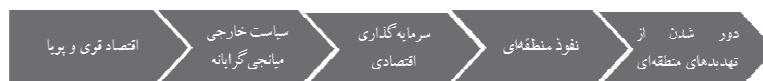
مهم‌ترین راهبرد سیاست خارجی قطر تا پیش از اعتراض‌های جهان عرب در سال ۲۰۱۱، میانجی‌گری در بحران‌های داخلی کشورهای عربی و بحران‌های بین‌کشورهای مزبور بود. قطر در این برهه، ضمن در نظر گرفتن هویت عربی خود و پذیرش هرج و مرج حاکم بر منطقه‌ی خاورمیانه، سعی کرد تا همکاری را جایگزین تعارض در روابط خود با کشورهای منطقه‌ی خاورمیانه، و با بهره‌گیری از اقتصادی پویا، نقشی «میانجی‌گر و صلح‌ساز» در بحران‌های عربی با هدف کسب اعتماد، شخصیت، نفوذ در میان کشورهای منطقه و در نتیجه‌ی تأمین امنیت خود در منطقه‌ی تنش‌زای خاورمیانه ایفا کند. از این رو، ساختار آنارشیک منطقه‌ی خاورمیانه، بر امنیت قطر تأثیر نگذاشت، و دولت مزبور توانست اهداف خود از جمله دور شدن از تهدیدهای ساختاری منطقه را تأمین کند؛ البته ایجاد پیوندهای امنیتی با قدرت‌های بزرگ جهانی نیز در افزایش کارآمدی فاکتور اقتصادی در تأمین امنیت قطر، نقش مهمی داشته است.

پیامد	هدف	فاکتور تأثیرگذار	نقش	هویت
کسب هویت کشور دوست، کسب پرستیژ و اعتماد - نفوذ منطقه‌ای - دوری از تهدیدهای ساختاری منطقه خاورمیانه	اعتمادسازی - نفوذ منطقه‌ای - دوری از تهدیدهای ساختاری منطقه خاورمیانه	اقتصاد قوی	میانجی‌گری	دولت عربی - صلح‌ساز

قطر تا پیش از سال ۲۰۱۱، در بحران‌های داخلی یمن، لبنان، سودان، و بحران

میان اریتره و جیبوتی، میانجی‌گری کرد. میانجی‌گری کشور مزبور در بحران‌های جهان عرب، سبب شده بود تا این کشور به عنوان «میانجی‌گر بدون توقف»^۱ معروف شود (Barakat, 2012: 13). تحلیل گرانی نظیر «مهران کامروا» بر این باورند که هدف دولت قطر از اتخاذ دیپلماسی میانجی‌گرانه در بحران‌های جهان عرب، بقا، کسب شخصیت بین‌المللی و همچنین تضمین امنیت خاندان آل ثانی در قدرت است (Kamrava, 2011: 540 – 556).

شکل زیر، تأثیر اقتصاد بر اتخاذ راهبرد سیاست خارجی قطر پیش از سال ۲۰۱۱ و تأثیر این راهبرد بر امنیت دولت قطر را نشان می‌دهد:



میانجی‌گری در بحران داخلی یمن

شیخ حمد بن خلیفه آل ثانی^۲، امیر وقت قطر، در ماه می ۲۰۰۷، از یمن دیدار کرد و وزیر امور خارجه‌ی قطر نیز نماینده‌ای برای گفتگو با رهبران حوثی‌ها^۳ به شمال یمن فرستاد. تلاش قطر، منجر به ایجاد آتش بس میان حوثی‌ها و دولت یمن در ژوئن ۲۰۰۷ و امضای موافقت‌نامه‌ی صلح در دوحه، در یکم فوریه ۲۰۰۸ گردید. با این حال، جنگ میان حوثی‌ها و دولت یمن، مجدداً خیلی زود آغاز شد و علی عبدالله صالح^۴ در می ۲۰۰۹ اعلام کرد، میانجی‌گری شکست خورده است. با این وجود، دولت قطر در سال ۲۰۱۰ نیز بار دیگر میان دو طرف درگیری در یمن میانجی‌گری کرد، که البته باز هم این آتش بس توسط دو طرف پس از مدتی نقض شد (Hansen, October 2013: 22–26).

میانجی‌گری در بحران داخلی لبنان

میانجی‌گری قطر در بحران سیاسی داخلی لبنان، از جمله موارد موفق میانجی‌گری

1. Non Stop Mediator
2. Sheikh Hamad bin Khalifa Al Thani
3. Houthi
4. Ali Abdullah Saleh

این کشور است. در حالی که حزب الله لبنان و دولت «فواد سینیوره»^۱ در لبنان پس از ۱۸ ماه بن بست سیاسی در می ۲۰۰۸ در وضعیت جنگی قرار گرفته بودند، قطر با میانجی‌گری در این بحران، احزاب مختلف لبنانی را به دوحه دعوت کرد و در ۲۱ می ۲۰۰۸ «موافقت‌نامه‌ی دوحه»^۲ میان طرفین امضا شد. این موافقت‌نامه سبب شد «ژنرال میشل سلیمان»^۳ به عنوان رئیس‌جمهوری لبنان برگزیده شود و «دولت وحدت ملی»^۴ در لبنان تشکیل شود که در دولت مزبور، توازن قدرت میان گروه‌های رقیب از جمله حزب الله وجود داشت. پس از میانجی‌گری موفق قطر، در بحران لبنان، روزنامه‌ی «نیویورک تایمز» از قطر به عنوان «میانجی‌گر بدون توقف»، نام برد (Coates Ulrichsen, February 2013: 3).

میانجی‌گری در بحران دارفور

بحران دارفور^۵ از مارس ۲۰۰۳ میان حکومت سودان و گروه‌های شورشی آغاز شد. سازمان ملل متحد اعلام کرد، در بحران دارفور، بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار نفر کشته شدند. کنگره‌ی آمریکا رسماً بحران دارفور را «ژنوساید» اعلام کرد، و «عمر البشیر»^۶ به عنوان اولین رئیس دولت در «دیوان کیفری بین‌المللی»^۷ به «جنایت جنگی» متهم شد. در بحران دارفور، قطر به عنوان نماینده‌ی جامعه‌ی عرب، میان حکومت سودان و شورشیان میانجی‌گری کرد. همانند بحران لبنان، در بحران دارفور نیز گروه‌های رقیب و مخالف، در دوحه، پایتخت قطر، دعوت شدند. تفاوت میانجی‌گری قطر در بحران دارفور، با دیگر بحران‌ها این بود که در دارفور علاوه بر قطر، سازمان ملل متحد، اتحادیه‌ی آفریقا، جامعه‌ی عرب و همچنین نمایندگان از دولت‌های همسایه و نزدیک سودان از جمله مصر، لیبی و چاد نیز حضور داشتند، و دو طرف درگیر، با میانجی‌گری این نمایندگان با هم گفتگو کردند. بعد از چندین تلاش ناکام، در فوریه‌ی ۲۰۱۰، میان دولت سودان و بزرگ‌ترین

1. Foad Siniora
2. Doha Agreement
3. General Michel Suleiman
4. National Unity State
5. Darfur Crisis
6. Omar Al- Bashir
7. International Criminal Court

گروه مخالف یعنی «جنبش برابری و عدالت»^۱، موافقت‌نامه‌ی آتش‌بس امضا شد و «عمرالبشیر»، رئیس‌جمهوری سودان هم پایان کشمکش را اعلام کرد (Ibid: 2).

میانجی‌گری میان اریتره و جیبوتی

اریتره، مستعمره‌ی سابق ایتالیا است که در سال ۱۹۶۲ ضمیمه‌ی اتیوپی شد و در سال ۱۹۹۱ نیز از این کشور مستقل شد. جیبوتی، مستعمره‌ی سابق فرانسه (Saeed, 8 June 2010). نیز در سال ۲۰۰۸ با نفوذ سربازان اریتره به قلمرواش، دچار اختلاف‌های ارضی شدند، که در نتیجه‌ی این اختلاف، شمار زیادی از سربازان و نیروهای دو طرف کشته و زخمی گردیدند. پس از این‌که دو کشور در حل اختلاف مرزی خود موفقیتی نداشتند، پیشنهاد قطر برای میانجی‌گری را در ژوئن ۲۰۱۰ پذیرفتند. در نتیجه، میانجی‌گری قطر و مذاکره‌ی اریتره و جیبوتی در دوحه، سربازان اریتره از منطقه‌ای در جیبوتی که تحت کنترل اریتره قرار گرفته بود، خارج و نیروهای حافظ صلح سازمان ملل در این منطقه‌ی مزبور حاضر شدند (Sudan Tribune, 8 June 2010).

یکی از دلایل موفقیت قطر در سیاست خارجی میانجی‌گرایانه در تحولات جهان عرب، توانمندی اقتصادی زیاد این کشور بود. نقش مهم اقتصاد در سیاست خارجی قطر، سبب شد برخی از تحلیل‌گران بر این باور باشند که سیاست خارجی قطر، مدلی از «سرمایه‌داری دولتی»^۲ است (Coates Ulrichsen, February 2013: 3). دولت قطر در همه‌ی کشورهای میانجی‌گری کرد، از فاکتور اقتصاد برای مدیریت مذاکرات صلح، بهره‌وری فراوان بود، و از دو طرف بحران، میزبانی، و هم‌پس از میانجی‌گری، یا به این کشورها کمک اقتصادی کرد و یا در سرزمین‌شان سرمایه‌گذاری نمود.

قطر یکی از بزرگ‌ترین سرمایه‌گذاران در جنوب لبنان است که در جریان میانجی‌گری بحران داخلی کشور مزبور، تقبل نمود ۳۰۰ میلیون دلار در کشور مزبور سرمایه‌گذاری کند. در بحران دارفور نیز از اهرم اقتصاد برای موفقیت در میانجی‌گری خود استفاده کرد، و متعهد گردید اگر گفتگوهای صلح موفقیت‌آمیز بود، دو میلیارد دلار در منطقه‌ی دارفور سرمایه‌گذاری، و بانک توسعه‌ی دارفور را نیز ایجاد نماید. در عین حال، صندوق سرمایه‌گذاری قطر، یک میلیارد دلار برای کاشت محصولات

1. The Justice and Equality Movement
2. State Capitalism

غذایی در سودان و صادرات آن به قطر سرمایه‌گذاری نمود که این اقدام در راستای برنامه‌ی امنیت ملی غذایی انجام شد (Barakat, 2012: 19-20). در بحران یمن نیز دولت قطر بین ۳۰۰ تا ۵۰۰ میلیون دلار در بازسازی استان صعده که مرکز درگیری حوثی‌ها و دولت یمن بود، هزینه کرد (Hansen, October 2013: 25). تأثیر فاکتور اقتصادی بر راهبرد میانجی‌گرایانه‌ی قطر سبب شد برخی از تحلیل‌گران از اصطلاح «دیپلماسی هویج^۱» برای توصیف آن استفاده کنند (Antwi-Boateng, 2013: 44).

ب: تأثیر اقتصاد بر سیاست خارجی و امنیت قطر پس از ۲۰۱۱؛ تغییر هویت به بازیگر مداخله‌گر و افزایش تهدیدهای داخلی و منطقه‌ای

طرفداران نظریه‌ی سازه‌انگاری بر این باورند که هویت دولت‌ها مفروض و از پیش تعیین شده نیست، بلکه هویت آن‌ها در تعاملات اجتماعی شکل می‌گیرد و تغییرپذیر است. دولت قطر نیز از سال ۲۰۱۱ به بعد، ضمن در نظر گرفتن هویت عربی خود، هویت سیاسی‌اش را از «صلح‌ساز» به «حامی^۲» انقلاب‌های عربی تغییر داد. نقش قطر در این برهه نیز متأثر از فاکتور اقتصاد قوی، از میانجی‌گر به مداخله‌گر، و هدف آن نیز از اعتمادسازی و افزایش نفوذ منطقه‌ای، به تبدیل شدن به بازیگر منطقه‌ای تغییر یافت. در عین حال، رفتار قطر از دید دولت‌های عرب به منزله‌ی رفتار تعارض‌آمیز در نظر گرفته شد.

دیدگاه الکساندر رونت درباره‌ی آنارشی مبنی بر این که «آنارشی چیزی است که دولت‌ها آن را می‌سازند»، درباره‌ی قطر پس از سال ۲۰۱۱، صدق می‌کند؛ زیرا قطر از بازیگر صلح‌ساز پیش از سال ۲۰۱۱ به بازیگر بحران‌ساز و دخیل در محیط آنارشیک خاورمیانه تبدیل شد. همین عامل سبب شد امنیت قطر در دو بُعد شخصی و دولتی از ساختار تنش‌زا و تهدیدآفرین خاورمیانه تأثیر پذیرد. در بُعد شخصی، شیخ حمد بن خلیفه آل ثانی، امیر وقت قطر، ناچار شد در پی شکست سیاست خارجی خود به ویژه در بحران سوریه و با اعمال فشار قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، از قدرت کناره‌گیری کند. در بُعد دولتی نیز برخلاف دوران پیش از سال ۲۰۱۱ که قطر با اتخاذ سیاست میانجی‌گرایانه، هویت یک کشور «دوست» را در جهان عرب از خود برجای گذاشت، در سال‌های پس از ۲۰۱۱ با اتخاذ سیاست

1. Carrot Diplomacy
2. Backer

خارجی مداخله‌گرایانه، هویت یک کشور «دشمن» را نزد کشورهای نظیر سوریه، و هویت کشور «رقیب» را نزد کشورهای نظیر عربستان، بحرین و امارات از خود برجای گذاشت؛ بنابراین، قطر گرفتار نوعی آنارشی منطقه‌ای شد که خود در به وجود آمدن آن نقش داشت و ساختار آنارشیک منطقه‌ی خاورمیانه نیز بر امنیت دولت قطر تأثیر گذاشت.

پیامد	هدف	فاکتور	نقش	هویت
کسب هویت دشمن و رقیب نزد کشورهای منطقه، تنش با قدرت‌های منطقه، تأثیرپذیری از تهدیدهای منطقه، انتقال قدرت	تبدیل شدن به بازیگر منطقه‌ای	اقتصاد قوی	مداخله‌گر در بحران‌های داخلی	دولت عربی- حامی انقلاب‌ها

در اتخاذ راهبرد مداخله‌گرایی نیز بیش از همه، اقتصاد پویا و قوی تأثیرگذار بوده و نقش اقتصاد در مداخله‌ی قطر در بحران‌های جهان عرب از سال ۲۰۱۱ به بعد آشکار است.

بحران لیبی

قطر از مهم‌ترین بازیگران بحران سال ۲۰۱۱ لیبی بود. دولت مزبور، ضمن این که از حامیان مداخله‌ی نظامی ناتو در بحران لیبی بود، کمک‌های نظامی و غیرنظامی برای انقلابیون لیبی فراهم کرد. قطر در تصویب قطعنامه‌ی «پرواز ممنوع»^۱ علیه لیبی توسط شورای امنیت، نقش مهمی داشت، و اولین دولت عربی بود که به مداخله‌ی نظامی ناتو در لیبی پیوست. «جنگنده‌های میراژ قطر»^۲ در حمله‌ی هوایی ناتو علیه لیبی، مورد استفاده قرار گرفت؛ همچنین تسلیحات و آموزش و مشاوره‌ی عملیاتی «نیروهای ویژه» را بر عهده گرفت (Steinberg, 2012: 4). اگرچه نیروی نظامی قطر با ۱۱ هزار نفر یکی از کوچک‌ترین نیروی نظامی است، اما نیروهای ویژه‌ی آن که وارد بحران لیبی شدند، توسط فرانسه و کشورهای غربی آموزش دیده‌اند و نیروهای ماهری محسوب می‌شوند (Cafiero, 25 June 2012: 4). مخالفان قذافی در قطر آموزش دیده بودند؛ و برخی از رهبران انقلابیون لیبی نیز با دولت و رهبران قطر ارتباط

1. No-fly Zone
2. Qatari Mirage Fighters

نزدیک داشتند. عبدالحکیم بلحاج^۱، فرماندهی نیروهای امنیتی در تریپولی، و شیخ علی سلابی^۲، واعظی که در زمان حکومت قذافی سال‌ها در قطر تبعید بود، از جمله‌ی این افراد بودند (Maxwell, 7 March 2012: 3).

علاوه بر کمک نظامی، دولت قطر به انقلابیون و مخالفان قذافی کمک غیرنظامی زیادی نیز انجام داد، که شامل بیش از ۴۰۰ میلیون دلار کمک مالی، تأمین آب، کالاهای ضروری و گاز و همچنین کمک به فروش و بازاریابی نفت لیبی بود (Steinberg, Ibid: ۴)؛ همچنین قطر برای انقلابیون لیبی، یک ایستگاه تلویزیونی در دوحه راه‌اندازی کرد، و رهبران انقلابیون را در هتل‌های گران‌قیمت اسکان داد و به شبکه‌ی ماهواره‌ای انقلابیون، کمک مالی نمود. در آگوست ۲۰۱۱ وقتی که انقلابیون لیبیایی «باب‌العزیزیه»^۳ قذافی را تسخیر کردند، پرچم قطر را به نشانه‌ی قدردانی برافراشتند (Cafiero, Ibid: 3). قطر اولین دولت عربی - و بعد از فرانسه - دومین دولت در جهان بود که «شورای ملی انتقالی»^۴ لیبی را به رسمیت شناخت، و اولین جلسه‌ی «گروه تماس بین‌المللی»^۵ را در آوریل ۲۰۱۱ سازماندهی کرد (Coates Ulrichsen, October 2012: 13).

بحران سوریه

دومین بحرانی که دولت قطر پس از سال ۲۰۱۱، مداخله‌ی فعالی در آن انجام داد، بحران سوریه بود. میزان دخالت دولت قطر در بحران سوریه به دلیل نزدیکی جغرافیایی دو کشور و همچنین اهمیت بیشتر سوریه برای بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، بسیار بیشتر از مداخله در بحران لیبی بود. «خالد العطیه»^۶، وزیر خارجه‌ی وقت قطر، بحران سوریه را با نگاه هویتی، یک «بحران عربی»^۷ خواند (Khalaf and Fielding Smit, 17May 2013: 4).

1. Abdel hakim Belhadj
2. Sheikh Ali Sallabi
3. Bab al Aziziya
4. National Transitional Council
5. International Contact Group
6. Khalid al Attiyah
7. Arabian Crisis

مداخله‌ی دولت قطر در بحران سوریه نیز در قالب کمک‌های نظامی و غیرنظامی انجام گرفت. در بعد نظامی، قطر از جمله کشورهایی بود که وظیفه‌ی تأمین سلاح و تجهیزات ارتباطی مخالفان نظام سوریه را بر عهده داشت. از سال ۲۰۱۱ به بعد، قطر بارها خواستار مجوز شورای امنیت و مداخله نظامی ناتو در سوریه شد (Salem, 31 December 2012: 2). شیخ حمد بن خلیفه آل ثانی در ژانویه‌ی ۲۰۱۲، رسماً خواستار اعزام سربازان عرب به سوریه برای توقف کشتار مردم شد (Khalaf and Fielding Smit, Ibid: 3).

در بعد غیرنظامی، قطر تلاش کرد از طریق شکل دادن به «ائتلاف ملی سوریه»^۱ که در نوامبر ۲۰۱۲ در دوحه اعلام موجودیت کرده بود، مخالفان این کشور را متحد کند، و در ادامه، بین ۱ تا ۳ میلیارد دلار به آن‌ها کمک مالی نماید؛ همچنین قطر اولین کشوری بود که بودجه‌ی ائتلاف ملی سوریه را تأمین نمود و درعین حال یک بسته ۱۰۰ میلیون دلاری برای مداخله در سوریه تقبل کرد (Ibid: 2-6). قطر از جمله کشورهای شرکت‌کننده در مجموعه نشست‌های موسوم به «دوستان سوریه»^۲ است که با هدف حمایت از مخالفان نظام سوریه برگزار می‌شود؛ همچنین میزبان برخی از نشست‌های ضد سوری در دوحه بود.

قطر در تصویب مجازات‌های منطقه‌ای و بین‌المللی علیه سوریه از جمله تصویب تحریم‌ها علیه این کشور نقش داشت (Salem, Ibid: 3)، و از حامیان اصلی تعلیق عضویت این کشور در اتحادیه‌ی عرب بود، و همواره در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، از طرح‌کنندگان اصلی قطعنامه‌های ضد سوری محسوب می‌شد. قطر، اولین دولت در خلیج فارس بود که در جولای ۲۰۱۱، سفارتش در دمشق را تعطیل کرد (Steinberg, 2012: 5)، و اولین دولتی بود که در فوریه‌ی ۲۰۱۳، پیشنهاد داد مخالفان نظام سوریه سفارت آن در کشورهای عربی را در اختیار گیرند، و در ماه می ۲۰۱۳ نیز اولین دولتی بود که سفارت سوریه در دوحه را به مخالفان آن داد (Aljazeera, 28 March 2013).

نتیجه‌گیری

قطر، کشور کوچک منطقه‌ی خلیج فارس، ۱۱/۵۸۶ کیلومتر مربع مساحت، و اندکی بیش از ۲ میلیون نفر جمعیت دارد. این کشور که در محیط تنش‌زای

1. Syrian National Coalition
2. Friends of Syria

خاورمیانه قرار گرفته، به واسطه‌ی ذره‌ای بودن، با معضله‌های مهمی نظیر بقاء و امنیت مواجه است، و به ناچار، در ابتداء، پیشرفت اقتصادی را در دستور کار خود قرار داد که این هدف در پرتو درآمدهای هنگفت انرژی و همچنین سیاست متنوع‌سازی اقتصاد، تأمین شد. بهبود اقتصاد قطر سبب گردید مقامات این کشور در عرصه‌ی سیاست خارجی خود، ضمن در نظر گرفتن هویت عربی، عملگرایی را دستور کار قرار دهند. عملگرایی قطر پیش از اعتراض‌های سال ۲۰۱۱ در قالب هنجار میانجی‌گری در بحران‌های جهان عرب انجام گرفت. در اعمال راهبرد میانجی‌گری توسط دولت قطر، محرک‌های اقتصادی، نقش مهمی ایفا کردند. این راهبرد، ضمن این که تصویر کشوری صلح‌ساز از قطر برجای گذاشت، سبب نفوذ قطر در میان کشورهای عربی از یک سو و کاهش تهدیدهای منطقه‌ای به ویژه از جانب عربستان سعودی علیه قطر از سوی دیگر شد. به عبارت دیگر، پیش از سال ۲۰۱۱، میان اقتصاد قوی، سیاست خارجی عملگرا و کاهش تهدید و افزایش امنیت دولت قطر ارتباط مستقیم وجود داشت. این سیاست دولت قطر، با قانون اساسی این کشور به ویژه ماده‌ی ۷ آن که اصولی همچون تقویت صلح و امنیت بین‌المللی، عدم مداخله در امور کشورهای دیگر و همکاری با ملل دوستدار صلح به عنوان اصول پایه‌ای و راهنمای سیاست خارجی قطر مطرح می‌کند، تطبیق داشته است.

وقوع اعتراض‌های عربی در سال ۲۰۱۱ که طی کمتر از دو ماه منجر به سقوط زین‌العابدین بن علی در تونس و حسنی مبارک در مصر شد، تغییر هویت قطر در سیاست خارجی از بازیگر صلح‌ساز به بازیگر مداخله‌گر و حامی انقلاب‌های عربی را در پی داشت. تغییر هویت قطر، منجر به تغییر در الگوی سیاست خارجی عملگرای آن از میانجی‌گری به مداخله‌ی مستقیم منطقه‌ای شد، که نمونه‌ی آشکار آن مداخله در بحران‌های لیبی و سوریه بود.

دولت قطر در راهبرد مداخله‌گرایی نیز از اهرم اقتصادی بهره گرفت، با این تفاوت که تعامل اقتصاد قوی و سیاست خارجی عملگرا پیش از سال ۲۰۱۱، منجر به سرمایه‌گذاری اقتصادی، تقویت نفوذ منطقه‌ای و افزایش امنیت دولت مزبور شد، اما تعامل اقتصاد قوی و سیاست خارجی عملگرا پس از سال ۲۰۱۱، نتیجه‌ی معکوسی داشت و منجر به هزینه‌ی اقتصادی زیاد، کاهش نفوذ منطقه‌ای و افزایش تهدیدهای داخلی و منطقه‌ای گردید.

در بحران لیبی، دولت قطر، حمایت نظامی و غیرنظامی از مخالفان قذافی انجام داد که همه‌ی این حمایت‌ها کمک‌های اقتصادی هنگفتی توأم بود. در بحران سوریه نیز دولت قطر میلیاردها دلار برای سرنگونی نظام این کشور هزینه کرد. یک افسر مخالف نظام سوریه در استان ادلب^۱، در شمال سوریه، در مصاحبه با «فاینشنال تایمز»^۲ گفت: «قطر پول زیادی دارد و هر چیزی را با پول می‌خرد». یک دیپلماتیک غربی نیز درباره‌ی نقش قطر در بحران سوریه اظهار داشت که قطر با عدول از راهبرد میانجی‌گری خود به یک «پیشقدم فعال»^۳ تبدیل شد. این دیپلمات غربی، عدول سیاست خارجی قطر را این‌گونه توصیف می‌کند: قطر با اتخاذ سیاست میانجی‌گری، تلاش کرد تا «نروژ» خلیج فارس باشد، اما در بهار عرب، مصمم گردید «فرانسه یا بریتانیای» خلیج فارس باشد. این در حالی است که همزمان نمی‌توان هم نروژ بود و هم فرانسه و بریتانیا (Khalaf and Fielding Smit, Ibid: 4-5).

مایکل استنفس^۴، کارشناس «موسسه‌ی سلطنتی خدمات متحد در دوحه»^۵، در سال ۲۰۱۲ درباره‌ی مداخله‌ی قطر در بحران سوریه گفت: «سوریه، پتانسیل بی‌اعتبار کردن قطر در یک مسیر بزرگ را دارد. قطر فکر می‌کند، سوریه، لیبی دیگری است، اما آن‌ها نمی‌توانند وارد یک پروسه‌ی دیپلماتیک شوند و به نظر می‌رسد یک دستور کار مشخصی برای بحران سوریه ندارند» (The National, 24, September 2012).

به طور کلی باید گفت، با وجود هزینه‌های زیادی که قطر و دیگر کشورها برای سرنگونی نظام سوریه انجام دادند، اما این اتفاق در عمل رخ نداد و شیخ حمد بن خلیفه که در گسترش هرج و مرج در محیط آنارشیک خاورمیانه نقش داشت، خود قربانی آنارشی افزایش یافته و شکست در سوریه شد. این اتفاق نشان داد که هویت جدید قطر در جهان عرب، به عنوان «حامی» انقلاب‌ها علیه پادشاهان و دیکتاتورهای عرب، نه تنها منافع این کشور از جمله افزایش امنیت و نفوذ در جهان عرب را تأمین نکرد، بلکه نقاط ضعف مهم این کشور را آشکار نمود.

1. Idlib Governorate
2. Financial Times
3. Active Protagonist
4. Michael Stephens
5. The Royal United Services Institute in Doha

ذره‌ای بودن و نداشتن عمق استراتژیک و جمعیت زیاد، از مهم‌ترین نقاط ضعف قطر است، و همین نقاط ضعف سبب می‌شود تا بقا و تأمین امنیت هدف اصلی این کشور باشد، که آن نیز در سایه‌ی مداخله‌گرایی تأمین نخواهد شد، بلکه تلاش برای صلح‌سازی و میانجی‌گری، بهترین راهکار برای تحقق بقا و امنیت قطر به عنوان یک دولت ذره‌ای است.

منابع

اسمیت استیو (۱۳۸۳)، رویکردهای واکنش‌گرا و سازه‌انگاری در نظریه‌های روابط بین‌الملل، جان بیلیس و استیو اسمیت، جهانی‌شدن سیاست، روابط بین‌الملل در عصر نوین (زمینه‌ی تاریخی، نظریه‌ها، ساختارها و فرآیندها)، تهران، موسسه‌ی فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.

بوزان بری (۱۳۸۹)، ایالات متحده و قدرت‌های بزرگ، سیاست‌های جهانی در قرن بیست و یکم، ترجمه‌ی عبدالمجید حیدری، تهران، پژوهشکده‌ی مطالعات راهبردی.
قوام سید عبدالعلی (۱۳۹۲)، روابط بین‌الملل، نظریه‌ها و رویکردها، تهران، انتشارات سمت، چاپ هفتم.

Aljazeera, (28 May 2013), Syria opposition opens embassy in Qatar, <http://www.aljazeera.com/news/middleeast/2013/03/201332801947829802.html>

Antwi-Boateng Osman, (2013), the rise of Qatar as a Soft Power and the challenges, European Scientific Journal, Vol. 2

Bank Audi Sal, (27 June 2013), Qatar Economic Report, <http://content.argaam.com.s3-eu-west-1.amazonaws.com/821e3239-cf1d-45a5-a102-7abcd2bca13b.pdf>

Barakat Sultan, (2012), The Qatari Spring: Qatar's emerging role in Peacemaking, the London School of Economics and Political Science (LSE).

BTI, (2014), Qatar Country Report, <http://www.bti-project.org/fileadmin/Inhalte/reports/2014/pdf/BTI%202014%20Qatar.pdf>

Cafiero Giorgio, (25 June 2012), Is Qatar's Foreign Policy Sustainable?, http://www.fpiif.org/articles/is_qatars_foreign_policy_sustainable

Coates Ulrichsen Kristian, (October 2012), Small States with a Big Role: Qatar and the United Arab Emirates in the wake of the Arab Spring, HH Sheikh Nasser al-Mohammad al-Sabah Publication Series, Number 3.

Coates Ulrichsen Kristian, (February 2013), Qatar's mediation initiatives,

Norwegian Peace building Resource Center.

Gas Exporting Countries Forum, (2013), Member Country: Qatar, <http://www.gecf.org/gecfmembers/qatar>

Persian Gulf News, (2 April 2014), Qatar 2013 Gas output tops 7tn Cube Feet, says al Sad.

Qatar Population Status 2012, (2012), Three Years After Launching the Population Policy, http://www.gsdp.gov.qa/portal/page/portal/ppc/PPC_home/ppc_news/ppc_files_upload/populations_status_2012_en.pdf

QNB, (25 August 2013), Qatar Economic Insight 2013.

Reuters, (22 August 2011), Qatar to Invest \$20 bln in tourism through 2022.

Rivlin Paul, (April 2013), Qatar: the Economics and the Politics, Musha Dayan Center for Middle Eastern and African Studies, http://www.dayan.org/sites/default/files/Iqtisadi_Eng_April2013_RIVLIN_Qatar_Economics_and_Politics.pdf

Saeed Mohamed, (8 June 2010), Qatar mediating in Eritrea-Djibouti row, <http://www.eritrea-unmission.org/documents/Qatarmediating.pdf>

Salem Paul, (31 December 2012), Qatari Foreign Policy: The changing Dynamics of an Outsize Role, Carnegie Middle East Center, <http://carnegie-mec.org/publications/?fa=50967>

Smoltczyk Alexander and Zand Bernhard, (03/14/2012), Power play in the Persian Gulf: Tiny Qatar has Big Diplomatic ambitions, Spiegel Online.

Steinberg Guido, (2012), Qatar and the Arab Spring: Support for Islamists and New Anti-Syrian Policy, German Institute for International and Security Affairs.

Sudan Tribune, (8 June 2010), Qatar to mediate between Djibouti and Eritrea on border Dispute.

The Global Economy, (2014), Qatar Inflation, <http://www.theglobaleconomy.com/Qatatr/Inflation/>

The National, (24 September 2012), Qatar's role as Peace Broker at Risk in Syria.

Trade Arabia, (2 October 2013), Qatar's Fiscal Surplus doubles to \$27.4bn, http://www.tradearabia.com/news/BANK_243879.html

EIA, (30 January 2014), Countries: Qatar.

Wendt Alexander, (1992), Anarchy is what States make of it: the Social Construction of Power Politics, International Organization, Vol. 46, No. 2

(Footnotes)

۱. این میزان تولید بیش از سه برابر تولید گاز طبیعی قطر در سال ۲۰۰۰ است.
 ۲. میزان مصرف گاز طبیعی در قطر در سال ۲۰۱۲ در مقایسه با سال ۲۰۱۱ تا ۳۰ درصد رشد داشته و بین سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۲ نیز سه برابر شده است.
 ۳. میزان مصرف نفت در قطر در سال ۲۰۱۲ نسبت به سال ۲۰۰۰ متأثر از اقتصاد به سرعت در حال رشد این کشور و همچنین افزایش روز افزون تقاضا در بخش حمل و نقل سه برابر رشد داشته است.
 ۴. آمار مربوط به سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۳ از گزارش وزارت برنامه‌ریزی توسعه‌ای و آمار قطر در ژوئن ۲۰۱۴ با عنوان Qatar Economic Outlook ۲۰۱۴-۲۰۱۵ اخذ شده است.
 ۵. صندوق بین‌المللی پول رشد تولید ناخالص داخلی قطر در سال ۲۰۱۳ را حدود ۶ درصد پیش‌بینی کرده است. برای اطلاعات بیشتر ر.ک. به:
International Monetary Fund, (04/24/2014), Qatar –2014 Article IV Consultation Concluding Statement of the IMF Mission, <http://www.imf.org/external/np/ms/2014/030714.htm>
 ۶. درآمد سرانه‌ی قطر در سال ۲۰۱۲ توسط بانک جهانی بیش از ۹۳ دلار اعلام شد، اما بانک ملی قطر، درآمد سرانه‌ی این کشور در سال ۲۰۱۲ را بیش از ۱۰۲ دلار اعلام کرده است. برای اطلاعات بیشتر ر.ک. به:
- QNB, (25August 2013), Qatar Economic Insight 2013.
7. Qatar Economic Outlook 2014–2015, June 2014: 1
۸. آمار مربوط به نرخ بیکاری در قطر از سایت وزارت برنامه‌ریزی توسعه‌ای و آمار این کشور گرفته شد.